

سرزمین وحی به روایت سفرنامه‌نویسان معاصر

نگاهی تحلیلی - تطبیقی به سفرنامه‌های حج فارسی و عربی

دکتر مصومه نعمتی قزوینی

ویراستار صوری: زهره خرمایی

صفحه‌آرا: مهدیه دین‌پناه

فهرست

۵	پیشگفتار
	فصل اول: سفرنامه‌نویسی در ادبیات فارسی و عربی
۱۱	تعریف سفرنامه
۱۳	سفرنامه‌نویسی در ادبیات فارسی
۱۶	سفرنامه‌های حج فارسی
۱۹	سفرنامه‌نویسی در ادبیات عربی
۲۲	سفرنامه‌های حج عربی
	فصل دوم: تاریخ ایران از دوره قاجار تا پهلوی اول
۲۸	دوره قاجار
۳۸	دوران پهلوی اول و مهم‌ترین اقدامات رضا شاه در ایران
۳۸	اقدامات سیاسی رضا شاه
۳۹	اقدامات اقتصادی رضا شاه
۴۰	اقدامات فرهنگی رضا شاه
	فصل سوم: مروری بر تاریخ معاصر عربستان
۴۲	تاریخ معاصر عربستان
۴۹	مهم‌ترین اقدامات ملک عبدالعزیز در مسیر مدرنیسم
۵۱	مروری بر پیشینه روابط ایران و عربستان
	فصل چهارم: سفرنامه‌های حج فارسی
۵۷	معرفی سفرنامه‌نویسان
۵۷	سید احمد هدایتی
۶۰	سید فخرالدین جزایری

۶۲	لطفعلی‌خان اعلایی
۶۴	تحلیل و بازخوانی سفرنامه‌های حج فارسی
۶۴	شرح دشواری‌های سفر
۷۹	توصیف شرایط اقلیمی و جغرافیایی
۸۱	ارائه تصاویر فرهنگی
۹۳	اشاره به اوضاع سیاسی کشورها
۱۰۴	انتقاد از خود
۱۱۳	توصیف مناسک حج
۱۲۳	گفتمان دینی
۱۳۷	گرایش‌های ملی و میهنی سفرنامه‌نویسان
۱۵۵	جمع‌بندی فصل
	فصل پنجم: سفرنامه‌های حج عربی
۱۵۸	معرفی سفرنامه‌نویسان
۱۵۸	شکیب ارسلان
۱۶۲	محمدحسین هیکل
۱۶۶	محمد لطفی جمعه
۱۶۹	تحلیل و بازخوانی سفرنامه‌های حج عربی
۱۶۹	شرح دشواری‌های سفر
۱۸۰	توصیف شرایط اقلیمی و جغرافیایی
۱۸۳	ارائه تصاویر فرهنگی
۲۱۲	اشاره به اوضاع سیاسی کشورها
۲۲۲	انتقاد از خود
۲۴۵	توصیف مناسک حج
۲۷۲	گفتمان دینی
۳۰۳	گرایش‌های ملی و میهنی سفرنامه‌نویسان
۳۳۵	جمع‌بندی فصل
۳۳۹	سخن آخر
۳۴۳	منابع

پیشگفتار

سفر از دیرباز یکی از راه‌های انسان برای پاسخ‌گویی به نیاز فطری او برای دانستن و کشف ناشناخته‌ها بوده است. سفر بهترین راه برای آشنایی با ملت‌ها، فرهنگ و تمدن اقوام دیگر، زدودن خستگی و فرسودگی جسمی و روحی، پی‌بردن به عظمت آفرینش، پالایش نفس و خودسازی است. مهم‌ترین انگیزه‌های سفر از گذشته تاکنون عبارت بوده‌اند از: انگیزه‌های علمی، سیاسی، دینی، فرهنگی، گردشگری و درمانی. رونق سفرها و علاقه‌مندی انسان به سفر، دستاورد فرهنگی - ادبی ارزنده‌ای به‌نام ادبیات سفرنامه‌ای را در پی داشته است. به فراخور تنوع سفرها، طبیعی است که سفرنامه‌های گوناگونی نیز به‌وجود آمده باشد، مانند سفرنامه‌های علمی، گردشگری و دینی. یکی از انواع سفرها سفرهای دینی است که پیشینه‌ای بسیار دیرینه دارد. امروزه سفر حج به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و، درعین‌حال، باشکوه‌ترین سفرهای دینی به‌شمار می‌آید که، افزون بر بُعد دینی، با مسائل سیاسی، فرهنگی و حتی اقتصادی نیز پیوند خورده است. حج همچنین یکی از بزرگ‌ترین جریان‌های ارتباطی میان‌فردی و میان‌فرهنگی امت اسلامی است که برپایه صلح و امنیت و فارغ از همه ملاک‌های مادی مانند نام، شغل، تابعیت، ملیت، نژاد، لباس، ثروت و قدرت برگزار می‌شود. از آنجایی که یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این سفر تحقق بخشیدن به آرمان وحدت امت اسلامی است، سفر حج همواره در کانون توجه جوامع اسلامی قرار داشته و، به تبع آن، بخشی از تولیدات فرهنگی و ادبی آنان را به خود اختصاص داده است. از سویی دیگر، از آنجایی که سفرنامه‌نویسان

از ملیت‌های متفاوت و با پیشینه فرهنگی متمایز رهسپار این سفر می‌شوند، طبیعی است که هرکدام، در طول این سفر و در انجام مناسک حج، از زاویه‌ای متفاوت بدان نگریسته باشند. از این منظر، مطالعه این دست متون و مقایسه آن‌ها با هم، در کنار مطالعه بسترهای تاریخی و اجتماعی آن‌ها، می‌تواند یافته‌های ارزشمندی را در این حوزه بازایی کند. افزون بر این، مطالعه تطبیقی این آثار می‌تواند ابعاد بیشتری از روابط تاریخی و فرهنگی ملت‌ها را در مواجهه با یکدیگر تبیین و ریشه‌یابی کند. بنابراین، یکی از فواید مطالعه تطبیقی سفرنامه‌ها این است که، از خلال آن، می‌توان به تصویرشناسی ملت‌ها در ادبیات یکدیگر دست یافت. بازنگری و بازخوانی سفرنامه‌ها به‌عنوان اسنادی مهم در شناخت هویت ملت‌ها می‌تواند ما را در شناخت ریشه‌های سوءتفاهمات موجود، که میان آن‌ها شکل گرفته، یاری کند. در کنار آنچه درباره اهمیت سفرنامه‌ها بیان شد، جست‌وجوهای انجام‌گرفته حاکی از آن است که، از نظر مقایسه‌ای، تاکنون پژوهشی میان سفرنامه‌های فارسی و عربی انجام نشده است. بر این اساس، پژوهش حاضر به تحلیل و مقایسه سفرنامه‌های حج عربی و فارسی مربوط به سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۶۰ ق اختصاص یافت.

لازم به توضیح است که دوره یادشده در ایران مصادف با سال‌های واپسین عصر قاجار و آغاز دوره پهلوی اول است که تاریخ ایران شاهد حوادث و تحولات مهمی بوده که عبارت‌اند از: جنگ جهانی اول، تجاوز نظامی روسیه به ایران، تجاوز دولت عثمانی به تبریز، مشکلات شدید اقتصادی، ناامنی و درگیری‌های حزبی. این در حالی است که، از نظر فرهنگی، مدرن‌سازی و، به عبارتی تقابل سنت و مدرنیسم، ملی‌گرایی و مسئله هویت، مهم‌ترین مسائل این دوره از تاریخ ایران است.

سفرنامه‌های عربی برگزیده نیز مربوط به آغاز دوره حاکمیت قطعی آل سعود به رهبری عبدالعزیز بن عبدالرحمان (۱۳۵۰ ق/۱۹۳۲ م) بر سرزمین عربستان و، به تبع آن، تشکیل کشور یکپارچه عربستان سعودی است. از این

پیشگفتار ۷

زمان به بعد، کشور عربستان شاهد تحولات اساسی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود. مدرن‌سازی و تسلط اندیشه و هابیت بر این کشور مهم‌ترین تحولات این برهه از تاریخ عربستان است. از وقایع مهم این دوره فتح حجاز بود که با کشتار وسیع مردم و نابودی اماکن متبرکه و زیارتگاه‌های ائمه اطهار (ع) همراه بود.

مروری بر تاریخ ایران و کشورهای عربی نشان می‌دهد مدرن‌سازی به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی فرهنگی این دوره سبب به‌وجود آمدن فضای تاریخی و فرهنگی تقریباً مشابهی در دو کشور شده است. این فضا که در نتیجه برخورد با دنیای غرب به‌وجود آمده بود زمینه را برای گسترش رابطه شرق و غرب بیش‌ازپیش مهیا ساخت. اقبال روزافزون به سفر و، به تبع آن، شکل‌گیری انواع سفرنامه‌ها یکی از دستاوردهای این دوره است. در ادبیات فارسی، اوج سفرنامه‌نویسی مربوط به عصر قاجار است که به‌ویژه سفرنامه‌های حج فراوانی به نگارش درآمد، به‌طوری که رسول جعفریان «ادبیات حج» را مولود این دوره می‌داند. افزون بر این، تحول فضای فکری و فرهنگی عصر قاجار، در کنار علاقه‌مندی شاهان قاجاری به تاریخ‌نویسی، سبب ایجاد تحول در سبک‌های تاریخ‌نگاری و ازجمله سفرنامه‌نویسی شد. بدین معنا که تاریخ‌نگاری از حالت گزارش صرف خارج و با نقد همراه شد. در این فضا، درکی مضاعف از «کاستی‌ها» در اذهان سفرنامه‌نویسان شکل گرفت و زمینه مقایسه «خود» با «دیگری» در سفرنامه‌ها به‌وجود آمد.

دوره مورد بحث، یعنی اواخر قاجار و اوایل پهلوی، از نظر گفتمان‌های هویتی نیز قابل توجه است. با عنایت به مراحل شکل‌گیری گفتمان‌های هویتی در تاریخ ایران، این برهه زمانی مطابق با مرحله اول شکل‌گیری گفتمان هویتی در ایران است که در نتیجه برخورد با غرب و رواج اندیشه تجددخواهی به‌وجود آمده و به دوره «پیدایش مسئله هویت و نفی خود» موسوم است. مهم‌ترین ویژگی این دوره پیدایش اندیشه ناسیونالیستی (ملی‌گرایی) و تعارض با هویت

بومی و اسلامی است. غلبه این گفتمان بر فضای فکری روشنفکران و اندیشمندان این دوره سبب ایجاد برخی شاخصه‌های فرهنگی مانند باستان‌گرایی و عرب‌ستیزی شد.

در جهان عرب نیز از قرن سیزدهم هجری به بعد که به «عصر نهضت» موسوم است، به سبب گسترش ارتباط جهان عرب با دنیای غرب، سفر از رواج چشمگیری برخوردار شد. رفاعه طهطاوی یکی از سفرنامه‌نویسان برجسته عرب و، درعین حال، یکی از پیشگامان تحول نثر عربی در این دوره است. از دیگر سفرنامه‌نویسان معروف این دوره می‌توان به محمدحسین هیکل، شکیب ارسلان، امین الریحانی، ابراهیم عبدالقادر المازنی و زکی مبارک اشاره کرد. در این تحقیق، سه سفرنامه معاصر فارسی و سه سفرنامه معاصر عربی با توجه به شاخص‌هایی مانند جایگاه نویسندگان، حجم سفرنامه‌ها و زمان نگارش انتخاب شده است که عبارت‌اند از:

فارسی: ۱. سفرنامه سید احمد هدایتی (۱۳۳۸ق)؛ ۲. سفرنامه سید فخرالدین جزایری (۱۳۴۰ق) و ۳. سفرنامه لطفعلی خان اعلائی (۱۳۴۸ق).
عربی: ۱. سفرنامه شکیب ارسلان با عنوان الارتسامات اللطاف فی خاطر الحاج إلى أقدس مطاف (۱۳۴۹ق)؛ ۲. سفرنامه محمدحسین هیکل با عنوان فی منزل الوحي (۱۳۵۵ق) و ۳. سفرنامه محمد لطفی جمعه با عنوان الأيام المبرورة فی البقاع المقدسة (۱۳۵۹ق).

در ارتباط با پیشینه پژوهش نیز باید توجه داشت که پژوهش‌های مرتبط با سفرنامه‌های حج، که تا پیش از این انجام شده، دارای دو رویکرد کلی هستند: الف) معرفی کلی و اجمالی سفرنامه‌ها؛ ب) تحلیل موضوعی و محتوایی سفرنامه‌ها. آثار مرتبط با رویکرد اول (معرفی کلی و اجمالی سفرنامه‌ها) با هدف آشناساختن مخاطب با سفرنامه‌های موجود انجام شده و بیشتر صبغه گزارشی دارد تا پژوهشی. آثار مرتبط با رویکرد دوم یعنی آثاری که به تحلیل محتوایی سفرنامه‌ها پرداخته‌اند، اگرچه در مقایسه با دسته اول از نظر پژوهشی

پیشگفتار ۹

قوی‌ترند، بیشتر به استخراج و دسته‌بندی موضوعات مطرح‌شده در سفرنامه‌ها (مانند اطلاعات راه‌ها، دشواری‌های سفر، تعداد حجاج، متولیان سفر حج، ملزومات سفر، اوقات فراغت، برخی مسائل فقهی سفر و به‌ندرت مسائل سیاسی و فرهنگی) اکتفا کرده‌اند. بنابراین، بازخوانی و تحلیل مقایسه‌ای ابعاد جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، دینی و هویتی مطرح در سفرنامه‌های حج مهم‌ترین جنبه نوآورانه این پژوهش است.

در پایان، ذکر این نکته ضروری است که در این پژوهش از کتاب ارزشمند دکتر رسول جعفریان با عنوان سفرنامه‌های حج قاجاری به‌عنوان منبع سفرنامه‌های فارسی و نیز منبع اصلی زندگی‌نامه سفرنامه‌نویسان ایرانی استفاده شده و مبنای ارجاعات قرار گرفته است. امید است که اثر پیش رو بتواند اطلاعات نو و ارزشمندی را در حوزه فرهنگ اسلامی و به‌ویژه سفر روحانی حج در اختیار جامعه علمی کشور، دست‌اندرکاران و متولیان امور حج و عموم علاقه‌مندان به پژوهش‌های فرهنگی قرار دهد.

معصومه نعمتی قزوینی

بهمن ۹۷

فصل اول

سفرنامه‌نویسی در ادبیات فارسی و عربی

تعریف سفرنامه

سفرنامه گونه‌ای ادبی است که نویسنده در آن دریافت‌ها و خاطرات سفر خود به سرزمین‌های گوناگون مانند عادات، اخلاق، مناظر طبیعی را گردآوری و ثبت می‌کند. (وهبه و مهندس، ۱۹۸۴: ۱۶)

سفرنامه به‌عنوان یکی از انواع ادبی منثور با انواع دیگری، مانند داستان و سیره، دارای برخی مشابهت‌هاست (محمد بادشاه، ۲۰۱۳: ۳۴). برخی سفرنامه‌ها را در زمره‌ی خاطره‌نویسی به‌شمار می‌آورند. خاطره، به‌عنوان یکی از گونه‌های زندگی‌نامه یا سیره، نوشته‌ای است روایی که پدیدآورنده آن با آگاهی و اراده به شرح احوال، حوادث و رویدادهای گذشته — که به هر علتی در ذهنش برجسته شده یا برجسته مانده — می‌پردازد. با وجود این، سفرنامه‌ها با خاطرات دارای برخی تفاوت‌ها هستند که عبارت‌اند از:

— نویسنده در سفرنامه، برخلاف خاطره‌نویسی، کمتر از خودش سخن می‌گوید و بیشتر به دیگران و شرح ماجراها و اماکنی که دیده می‌پردازد.
— در سفرنامه‌ها، همه‌ی مطالب در بستر سفر رخ داده، اما در خاطره‌نویسی لزوماً این‌طور نیست.

— قصد نویسنده در سفرنامه نوشتن خاطرات نیست، هرچند در ضمن سفرنامه خاطرات فراوانی هم نقل می‌شود. (ایروانی، ۱۳۸۶: ۸۱-۸۲)

سفرنامه با علوم دیگری مانند جغرافیا، تاریخ، جامعه‌شناسی و ادبیات در ارتباط است. سفرنامه‌ها به هر شکل و زبان یا توسط هر لایه اجتماعی‌ای که شکل گرفته باشند دارای دو کارکرد عمده زیر هستند: ۱. ساختار ذهنی و زبانی سفرنامه‌نویس را آشکار می‌کنند. ۲. اسناد تاریخی و اجتماعی ارزشمندی را روایت می‌کنند. (کراچی، ۱۳۸۱: ۸)

سفرنامه‌ها، از آغاز تاکنون، به گونه‌های مختلفی روایت شده‌اند مانند نظم، نثر، کوتاه و بلند، واقعی و تخیلی. سفرنامه‌ها گاه عنوان صریح سفرنامه را بر خود دارند و گاه در قالب داستان‌های تخیلی و رمان‌ها خود را بازتاب می‌دهند. کاربست عنصر تخیل در ادبیات سفرنامه‌های شرق و غرب متفاوت است. در غرب، رمان‌های تخیلی مانند سفر گالیور و شازده کوچولو یا داستان‌های علمی-تخیلی مانند داستان‌های ژول ورن را رقم می‌زند و، در ادبیات شرق، اغلب صبغه‌ای عرفانی به خود گرفته و سفرهای روحانی مانند منطق‌الطیر ارداویرافنامه را به تصویر می‌کشد. (رضوانیان، ۱۳۸۹: ۱۷۷)

«سفرنامه گزارشی خشک و بی‌روح نیست که شامل اطلاعاتی گوناگون باشد، بلکه پرده‌ای است پرنقش و متحرک و برجسته که در آن باغ‌ها پرتراوت است و درخت‌ها در رقص و حرکت، میوه‌ها آبدار، بیابان‌ها خشک و سوزان و پرگردوغبار است و بادها بر صورت‌ها سیلی‌زنان می‌گذرند. مردم در شهرها در تلاش زندگانی دیده می‌شوند. نمونه‌های هنر معماری اعجاب‌انگیز است. کالاهای شهرها خواننده را همراه مسافر به بازارها می‌برد و در هر جا با قیافه‌ها و طبقات مختلف و آداب‌ورسوم گوناگون روبه‌رو و با آنان آشنا می‌شود». (همان: ۱۷۸)

از آنجایی که سفرنامه‌ها در بردارندهٔ انبوهی از اطلاعات جغرافیایی، اجتماعی، تاریخی و اقتصادی مربوط به دوره‌های مختلف هستند، می‌توانند دست‌مایه‌ای پربار برای دانشمندان علوم گوناگون و حتی پژوهشگران ادبی به‌شمار آیند. افزون بر این، یکی از فواید سفرنامه‌ها جنبهٔ تعلیمی آن است.

بدین معنا که سفرنامه‌ها می‌توانند، با ارائه تصاویری از تمدن یک منطقه در دوره‌ای مشخص، شناخت و درک خوانندگان از آن جامعه را افزایش دهند. هرچند امروزه ابزار نوین تحقیق و مطالعه نسبت به سفرنامه‌ها می‌تواند شناخت گسترده و دقیق‌تری از یک سرزمین یا یک دوره معین در اختیار خواننده قرار دهد، این وسایل و ابزار، با وجود اهمیتی که دارند، برای شناخت آن منطقه یا دوره کافی به‌نظر نمی‌رسد؛ چراکه گاهی، به علت نبود شواهد انسانی، مطالعه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده با دشواری همراه است. در این شرایط، تنها سفرنامه‌ها هستند که از چنین امتیازی برخوردارند؛ زیرا توسط کسانی به نگارش درآمده‌اند که در آن منطقه یا مرحله زیسته و حوادث تلخ و شیرین آن را عیناً تجربه کرده‌اند. (محمد بادشاه، ۲۰۱۳: ۳۵-۳۶)

سفرنامه‌ها به هر غرضی که نوشته شده باشند، به‌عنوان متونی مردم‌شناسانه، بر آگاهی و شناخت هر ملت از پیشینه فرهنگی خویش و نیز سایر جوامع می‌افزاید. سفرنامه‌ها، هرچند کاملاً از اغراض شخصی یا صنفی سفرنامه‌نویس یا تعصبات خودی و غیرخودی تهی نیستند، حتی در بدترین حالت نیز گاه پرده از حقایقی برمی‌دارند که پیشینه رفتارهای فعلی و روند شکل‌گیری وضع کنونی یک ملت را نشان می‌دهد. (علی صوفی، ۱۳۹۱: ۲۴)

سفرنامه‌نویسی در ادبیات فارسی

سفرنامه‌نویسی در ادبیات فارسی پیشینه‌ای کهن دارد. ایرانیان از دیرباز، با انگیزه‌های مختلف مادی و معنوی، راهی سفر می‌شده‌اند که مهم‌ترین آن عبارت‌اند از: طلب علم، خودشناسی، شناخت جهان، انجام اعمال عبادی مانند جهاد و حج، ترک دنیا و متعلقات آن، تجارت و تفرج و سرگرمی. (شهری، ۱۳۹۴: ۹۷)

براساس آنچه در اسناد کهن درباره وجود راه‌های سیاسی - بازرگانی، کاروانسراها، میل‌های راهنمایی، جاده ابریشم ذکر شده است، می‌توان دریافت

که میان تمدن‌های کهن ارتباطات بازرگانی - سیاسی وجود داشته است. با وجود این، غیر از شرح‌های مختصری از سفرها که در متون سغدی و میانۀ مانوی و پهلوی برجامانده، سفرنامه‌های مشخص و مستقلی از دوران پیش از اسلام در ایران وجود ندارد. در واقع، مسافرت هیئت‌های مبلغان مذهب مانوی به خراسان، روم، مصر و چین یا سفر برزویه طیب به هندوستان در زمان انوشیروان در متون پهلوی را می‌توان گونه‌ای از سفرنامه به‌شمار آورد. در دوران بعد از اسلام نیز مسافرت‌ها عموماً به قصد زیارت اماکن مذهبی، تحصیل علوم دینی یا به انگیزه تجارت رخ می‌داد که به صورت مجموعه‌ای از اطلاعات جغرافیایی و گزارشی مفصل از جزئیات سفر تدوین می‌شد. (کراچی، ۱۳۸۱: ۱۶)

کتاب المسالک و الممالک، که گزارش چهار سال سفر ابواسحاق ابراهیم اصطخری (نیمه دوم قرن ۳ق) به سراسر ایران و به‌خصوص منطقه فارس است، یکی از اولین نمونه‌های این‌گونه از سفرنامه‌ها به‌شمار می‌رود. با وجود این، به‌طور کلی اولین سفرنامه مشهور در ادبیات فارسی متعلق به ناصر خسروست که در قرن پنجم قمری نگاشته شده است. این سفر گزارش سفر هفت‌ساله نویسنده از زادگاهش خراسان به مصر و بازگشت به وطن است که اطلاعاتی دقیق و گران‌بها از جغرافیا، تاریخ و فرهنگ سرزمین‌های گوناگون ارائه می‌دهد. (رضوانیان، ۱۳۸۹: ۱۷۸)

از قرن سوم تا هفتم قمری، هرچند به سبب رشد اقتصادی و فرهنگی، در جوامع شرقی، سیر و سفر رواج داشته، اما نوشتن سفرنامه مرسوم نبوده و، به همین علت، تنها چهار سفرنامه فارسی از این پنج قرن برجا مانده که عبارت‌اند از:

- سفرنامه أخبار الصین و الهند نوشته سلیمان تاجر (۲۳۵ق)

- سفرنامه ناصر خسرو (۴۳۷-۴۴۴ق)

- مثنوی تحفة العراقین اثر خاقانی (۵۵۴ق)

- حجازیة اثر ابوالأشرف حسینی یزدی (۷۵۷ق)

در دوره‌های مغول، تیموری، صفویه، افشاریه و زندیه هم، به دلیل شرایط خاص سیاسی، سفرنامه‌های قابل‌ذکری نوشته نشد؛ بدین معنا که در مدت پنج قرن تنها سیزده سفرنامه نوشته شده است! (کراچی، ۱۳۸۱: ۱۷)

در دوران صفویه، به سبب بی‌علاقگی شاهان به شعر فارسی و برخی دیگر از عوامل، تعداد زیادی از شاعران ایرانی به هند مهاجرت کردند، اما کمتر کسی به نوشتن سفرنامه رغبت نشان داد و تنها به تصویرکردن تجربه‌های خود در اشعارشان پرداختند. در هند، که تفرجگاه اهل ذوق و ادب ایران آن زمان بود، ذوق شعرگویی بیش از سفرنامه‌نویسی بود و علت تعداد اندک سفرنامه‌ها در این دوره نیز همین است. (صفا، ۱۳۶۳: ۴۹۱-۴۹۷)

برخلاف دوره قبل، به‌طور کلی ادبیات در عصر قاجار از جایگاه خوبی برخوردار بوده است. غیر از آقا محمدخان قاجار، بقیه شاهان همگی دوستار شعر و ادب بوده و حتی برخی از آنان مانند ناصرالدین شاه یا فتحعلی شاه خودشان هم شاعر بوده‌اند. شعرا و نویسندگان در عصر قاجار جزء طبقه روشنفکر جامعه به‌شمار می‌رفتند و با اعیان و اشراف در تماس بودند. بیشتر شاعران هر ساله از دربار حقوق و مستمری دریافت می‌کردند. با وجود این، ادبیات ایران، تا پیش از دوره فتحعلی شاه، تقریباً در دوره رکود قرار داشت. اما از این دوره به بعد رونقی تازه یافت و کم‌کم به «عصر نهضت» وارد شد. این دوره، که به دوره «بازگشت ادبی» هم موسوم است، سرآغاز بازگشت ادبیات به شیوه‌های پیشین یعنی شاعرانی چون سعدی، نظامی، حافظ و خاقانی است. (تاجبخش، ۱۳۸۲: ۲۵۸)

تاریخ‌نگاری، که سفرنامه‌ها جزئی از آن محسوب می‌شد، در این دوره رونق فراوانی یافت. به دلیل علاقه‌مندی شاهان قاجار به تاریخ‌نگاری، این علم هم از نظر کمی و هم از جهت کیفی متحول شد. (قدیمی قیداری، ۱۳۹۳: ۱۳)

در دوره قاجار، به‌ویژه در دوره سلطنت ناصرالدین شاه، سفرنامه‌نویسی رونق فراوانی یافت. از آنجایی که این سفرنامه‌ها حاوی اطلاعاتی از تاریخ و

احوال ملل دیگر بوده، به نوبه خود به تحول تاریخ نویسی در ایران کمک کرد. علل گرایش سیاحان به نگارش سفرنامه در این دوره عبارت‌اند از: ۱. درک اهمیت و ضرورت شناخت تاریخ و احوال مردم دنیا؛ ۲. تقلید از سفرنامه‌نویسان غربی؛ ۳. تقنین و سرگرمی. (پرتوی مقدم، ۱۳۸۶: ۱۱)

در دوره قاجار، علاوه بر سفرنامه‌های فراوانی که نویسندگان غیرایرانی درباره ایران زمان قاجار نوشته‌اند، خود ایرانیان هم سفرنامه‌ها و خاطرات فراوانی از خود برجا گذاشته‌اند که برخی از آن‌ها به اوضاع داخلی ایران و بعضی به خارج از ایران اختصاص دارد. در واقع، این حرکت به پیروی از آثار مشابهی بود که برخی از غربیان، از قرن چهاردهم میلادی به این سو، تحت عنوان سفرنامه نوشته و به‌مرور در هند و ایران در دسترس ایرانیان قرار گرفته بود. (علی صوفی، ۱۳۹۱: ۲۲)

از دوران قاجار، به علت لزوم آشنایی بیشتر با تمدن غرب، سفر و سفرنامه‌نویسی رونق فراوانی یافت. غرب مهم‌ترین مقصد سفرهای این دوره بود که با هدف آشنایی با دنیای غرب صورت می‌گرفت، هرچند در کنار سفرهای آن، سفرهای سیاسی، مذهبی، تجاری و گردشگری نیز به‌طور گسترده‌ای انجام می‌شد. نخستین سفرنامه اروپا و امریکا در همین دوره نوشته شد. در هر حال، انگیزه سفر در دوره قاجار هرچه بود سبب شد که بیشترین تعداد سفرنامه‌های فارسی در این دوره نوشته شود؛ یعنی از مجموعه هفتصد سفرنامه فارسی حدود دویست سفرنامه مربوط به دوره قاجار است. (کراچی، ۱۳۸۱: ۱۹-۲۰)

سفرنامه‌های حج فارسی

یکی از مهم‌ترین سوژه‌ها برای نگارش سفرنامه، در گستره ادبیات جهانی، سفر به خانه خدا بوده است. سفرنامه‌های حج گنجینه‌های پایان‌ناپذیری برای شناخت بسیاری از مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و تمدنی است که می‌تواند منبعی مورد توجه و قابل اعتماد باشد. به‌طور کلی ادبیات حج در

زبان‌های مختلف در دنیای اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. این متون در زبان‌های عربی، فارسی، ترکی و اردو فراوان یافت می‌شود و در بردارنده نکات ارزشمندی در ارتباط با جغرافیای مکه و مدینه، شرح مسیر کاروان‌های حج و اطلاعات دیگری در این زمینه است. (نصر اصفهانی، ۱۳۹۳: ۷۹)

«سفر حج، برای مسافر آن، سفری شیرین و پرجاذبه بوده است. با این حال، به دلیل دشواری‌های فراوانش همواره پرماجرا و پرخاطره بوده و خاطرات تلخ و شیرین آن برای همه نسل‌ها جالب‌توجه و قابل مطالعه بوده است. در هر زمان، نسل جدیدی که اراده سفر حج می‌داشت نیازمند تجربه‌های پیشینیان و پیرمردان بود و، از این جهت، نوعی حافظه تاریخی مداوم از این سفر در ذهنیت جامعه اسلامی پایدار مانده است.» (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۰)

کهن‌ترین سفرنامه حج فارسی سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی است که سرشار از اطلاعات ارزشمندی از درخشان‌ترین دوره تمدن اسلامی است. ناصر خسرو در سفر هفت‌ساله خود چهار بار به سفر حج مشرف شد. ناصر خسرو در سفرنامه‌اش تنها به ظاهر اعمال و شرح و معرفی دقیق اماکن توجه داشته و از فلسفه حج سخنی نگفته است. از این رو، این سفرنامه تنها ارزش معرفی دقیق از اماکن زمان مؤلف را دارد و نظر نویسنده درباره فلسفه اعمال و مناسک حج را باید از خلال اشعار او دریافت. (همان: ۸۰)

اباذر نصر اصفهانی در مقاله‌ای به جمع‌آوری و معرفی مختصر سفرنامه‌های حج فارسی پرداخته و تعداد آن را حدود ۳۵۰ مورد بیان کرده است. رسول جعفریان نیز در یک مجموعه کتاب هشت‌جلدی، با عنوان سفرنامه‌های حج قاجاری، پنجاه سفرنامه حج قاجاری را معرفی کرده است. بیشترین تعداد سفرنامه‌های حج فارسی مربوط به دوران قاجار است که به عقیده رسول جعفریان از چنان حجم گسترده‌ای برخوردار است که می‌توان عنوان «ادبیات حج» را بر آن اطلاق کرد. این انبوه سفرنامه‌های حج در واقع محصول نهضت سفرنامه‌نویسی است که در دوران قاجار به وجود آمد. (همان: ۷)

- از میان سفرنامه‌های حج این دوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- بیان واقع؛ خواجه عبدالکریم کشمیری (۱۵۴ق)
 - تحفة الحرمين؛ محمد رحیم‌الدین قادری (۲۰۳ق)
 - تذکرة الطريق؛ حافظ محمد عبدالحسین کرناٹکی (۲۳۰ق)
 - سفرنامه مکه؛ محمدولی میرزا قاجار (۲۶۰ق)
 - سفرنامه مکه معظمه؛ میرزا جلایر (۲۶۰ق)
 - بزم غریب؛ محمد علی بن محمد رضی بروجردی (۲۶۱ق)
 - سفرنامه مکه؛ میرزا علی اصغر خان اعتمادالسلطنه (۲۶۳ق)
 - سفرنامه مکه؛ سیف‌الدوله (۲۷۹ق)
 - گزارش سفر حج؛ بانو شاهجهان بیگم (۲۸۰ق)
 - حج منصور؛ یعقوب میرزای تبریزی (۲۸۵ق)
 - منازل قمریه در سوانح سفریه؛ علی حسین بن خیرات علی (۲۸۹ق)
 - سفرنامه مکه؛ فرهاد میرزا معتمدالدوله (۲۹۲ق)
 - الوجیزة فی تعریف المدینة؛ میرزا محمد مهندس (۱۲۹۲-۲۹۴ق)
 - هدایت الحجاج؛ سید محمدرضا طباطبایی تبریزی (۲۹۶ق)
 - سفرنامه مکه؛ نجم‌الملک (۲۹۶ق)
 - سفرنامه مکه؛ حسام‌السلطنه (۲۹۷ق)
 - سفرنامه مکه؛ عصمت‌السلطنه دختر فرهاد میرزا (۲۹۷ق)
 - سفرنامه منظوم حج؛ محمدابراهیم مشتری طوسی (۲۹۷ق)
 - سفرنامه مکه؛ میرزا عبدالحسین خان افشار (۲۹۹ق)
 - سفرنامه مکه؛ رحمت‌الله بن ملا عاشور بخارایی (۳۰۳ق)
 - سفرنامه مکه؛ محمدحسین فراهانی (۳۰۲ق)
 - سفرنامه مکه؛ نایب‌الصدر شیرازی (۳۰۵ق)
 - سفرنامه مکه و عتبات؛ میرزا عبدالمجید مجدی (۳۰۵ق)
 - سفرنامه مکه؛ محمدرضا ظهیرالملک (۳۰۶ق)

- روزنامه سفر حج؛ بانو علویة کرمانی (۱۳۰۹ق)
- حج‌نامه؛ حاجی سلیم‌خان تکابی (۱۳۱۰ق)
- سفرنامه مکه؛ ملا ابراهیم کازرونی (۱۳۱۵ق)
- سفرنامه مکه؛ امین الدوله (۱۳۱۶ق)
- سفرنامه شهاب؛ عبدالسلام تربتی (۱۳۱۷ق)
- روزنامه سفر عتبات و مکه؛ وقارالدوله (۱۳۱۷ق)
- سفرنامه مکه معظمه؛ حاجی عبدالله قراگوزلو (۱۳۱۹ق)
- سفرنامه حج؛ رئیس‌الذکرین (۱۳۱۹ق)
- سفرنامه مکه معظمه؛ مخبرالسلطنه (۱۳۲۲ق)
- سفرنامه مکه؛ میرزا داود وزیر وظایف (۱۳۲۲ق)
- سفرنامه مکه؛ میرزا علی اصفهانی (۱۳۳۱ق)
- سفرنامه مکه؛ ابوالقاسم مرجانی (۱۳۳۱ق)
- سفرنامه مکه؛ محمدحسین منشی‌زاده (۱۳۳۹ق)
- سفرنامه مکه؛ سید فخرالدین جزایری (۱۳۴۰ق)
- سفرنامه مکه؛ ایازخان قشقایی (۱۳۴۰ق)
- سفرنامه حج؛ سید احمد هدایتی (۱۳۳۸ق)
- سفرنامه مکه؛ لطفعلی خان اعلائی (۱۳۴۸ق)

سفرنامه‌نویسی در ادبیات عربی

سفرکردن از دوران بسیار کهن، یعنی پیش از ظهور اسلام، در میان قوم عرب رواج داشته است که غالباً به سبب آشنایی با سرزمین‌های دیگر از جمله هند، افریقا، یمن، شام و عراق و برقراری روابط تجاری انجام می‌شده است. با وجود این، اخبار این دست سفرها تنها به‌طور پراکنده در کتب شعر و لغت نقل شده است (قنديل، ۲۰۰۲: ۲۵). شوقی ضیف مهم‌ترین انگیزه عرب‌ها از سفر را انگیزه‌های سیاسی، دینی و اقتصادی می‌داند. (ضیف، ۱۹۵۶: ۹)

پس از ظهور اسلام نیز سفرها گسترش و تنوع بیشتری پیدا کرد. به‌ویژه اینکه خداوند بارها در قرآن کریم مسلمانان را به سفر و سیر در آفاق و انفس فراخوانده است (قنديل، ۲۰۰۲: ۲۵). مهم‌ترین اغراض سفر بعد از اسلام عبارت بوده از علم‌آموزی، انگیزه‌های دینی مانند تبلیغ دین یا ادای مناسک حج، تجارت و مسائل سیاسی. (محمد بادشاه، ۲۰۱۳: ۲۵)

با تحقیق در متون تاریخی آشکار می‌شود که کهن‌ترین سفرهای قوم عرب به خارج از شبه‌جزیره از راه‌های دریایی و غالباً با هدف تجارت و به‌ندرت به قصد سیاحت یا ماجراجویی صورت گرفته است. این سفرنامه‌ها به شکل کنونی نگاشته و تدوین نشده و تنها در برخی منابع تاریخی قرن سوم به آن‌ها اشاره شده است. بنابراین، قرن سوم هجری را می‌توان نقطه آغازین ادبیات سفرنامه‌ای در تاریخ ادبیات عربی به‌شمار آورد. (همان: ۳۷)

از مهم‌ترین سفرنامه‌نویسان قرن سوم می‌توان به هشام الکلبی، سلام الترجمان، موسی المنجم، أبو العباس یعقوبی، ابن خردادبه و ابن رسته اشاره کرد.

سفرها به دلیل گسترش اسلام در عصر فتوحات و سپس در عصر عباسی که دوران استقرار و شکوفایی تمدن اسلامی بود به اوج خود رسید (قنديل، ۲۰۰۲: ۲۵). از مهم‌ترین سفرنامه‌های این دوره می‌توان به سفرنامه مسعودی صاحب مروج الذهب، ابن فضالان، ابن سلیم الأسوانی، ابن حوقل، اصطخری، أبوزید بلخی، قدامة بن جعفر، ابوریحان بیرونی، ادریسی، ابن جبیر و أسامة بن منقذ اشاره کرد.

در دوره میانه، یعنی بعد از عصر عباسی تا آغاز عصر نهضت، نیز به دلیل فضای حاکم بر سرزمین‌های عربی و، به تبع آن، کاهش سفرها سفرنامه‌های چندانی نوشته نشده است. سفرنامه ابن بطوطه و سفرنامه ابن خلدون از مهم‌ترین سفرنامه‌های این دوره‌اند (محمد فهیم، ۱۹۸۹: ۹۵). از مهم‌ترین اسباب کاهش سفر در این دوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: